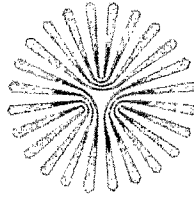


۱۴۲۹



دانشگاه پیام نور

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان : تصحیح و تحشیه « دستور العمل »

استاد راهنما : دکتر اصغر دادبه

استاد مشاور : دکتر سید مهدی خیر اندیش

نگارش : فریبا گرمی

بهمن ۸۷

۱۲۶۲۹۲

۱۳۸۸ / ۴ / ۲۲

اطلاعات درک عملی
نسیه درک

دانشگاه پیام نور

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان : **تصحیح و تحشیه « دستور العمل »**

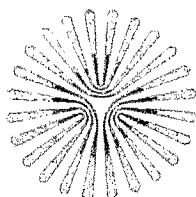
استاد راهنما : **دکتر اصغر دادبه**

استاد مشاور : **دکتر سید مهدی خیر اندیش**

نگارش : **فریبا کریمی**

بهمن ۸۷

۱۳۸۸/۰۲/۲۲



دانشگاه پیام نور

با سمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: تصحیح و تحشیه «دستور العمل»

که توسط فریبا کرمی در مرکز شیراز تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد. تاریخ دفاع: ۱۳۸۷/۱۲/۳ نمره: ۱۹/۵ درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- دکتر اصغر دادبه	استاد راهنما	استاد	اداره
۲- دکتر سید مهدی خیر اندیش	استاد مشاور	استاد یار	
۳- دکتر جلیل نظری	استاد داور	دانشیار	
۴- دکتر لیلا امینی لاری	نماینده تحصیلات تکمیلی	استاد یار	

تقدیم ...

این خدمت ناچیز را با وجود کاستی ها و نواقصش

به خاکپای « استاد عزیزم دکتر اصغر دادبه »

تقدیم می کنم .

بزرگ مردا! جاوید ، برقرار بمان

شکفته چون گل و خرم چنان بهار بمان

(الف)

تقدیر و تشکر

حمد و ثنایی که روایح ذکر آن چون ثنایای صبح بر نکهت دهان گل خنده زند و شکر و سپاسی که فوایح نشر آن چون نسیم صبا بر جعد و طره سنبل شکند ، ذات پاک کریمی را که از احاطت به لطایف کرشم نطق را نطق تنگ آمد . تا جهان بود از سر آدم فراز کس نبود از راه دانش بی نیاز

فعالیت های انجام گرفته در این نوشته حاصل خوشه چینی از خرمن دانش استادان بزرگوارم و یاری آنان در طی سالیان تحصیل است . انسان هایی والا و محققانی کم مانند که سرچشمه صفا و یک رنگی بودند . از استاد گرانقدرم آقای « دکتر اصغر دادبه » که علاوه بر راهنمایی این جانب در این دوره ، در گذشته نیز نسخه هایی فراهم آورده و کارهایی مشابه به من محوّل می کردند که راهگشای مشکلات امروزم بود ، سپاسگزارم. اکنون پس از سال ها دوری از کلاس های عالمانه ، پرشور و سرشار از حکمت و معرفتشان ، هنوز آوای فصیحشان را به گوش جان می شنویم . افسوس در این مدت از غمی جانکاه ، رنج می بردند ، غم از دست دادن روانشاد همسر گرامیشان . اما سوختن شمع وجودشان مانع از آن نبود که در راهنمایی های دلسوزانه و ارزشمندشان خللی وارد شود .

از ریاست محترم تحصیلات تکمیلی و استاد ارجمندم آقای «دکتر سید مهدی خیر اندیش» که بابرگزاری کلاس های متنوع و ارائه نصایح خیر خواهانه شان راهنما و یاریگر دانشجویان بوده اند تشکر و قدر دانی می کنم .

هم چنین از استاد ارجمندم آقای « دکتر سیروس شمیسا » ، سپاسگزارم؛ هر چند در این سال ها سعادت زیارت و حضور در کلاس های پر بارو جذابشان که مملوّ از نکته ها و دقایق علمی بود نداشته ام، اما در سال های تحصیل مشوّق من در ادامه این نوع کار ادبی بودند .

از همسرم که با بردباری و متانت یار و یاور من بودند ، و فرزند خردسالم که نتوانستم در این مدت پاسخ گوی نیاز های کودکانه اش باشم ، پوزش می طلبم و تشکر می کنم .

از سرکار خانم « پریسا سنجابی » کارمند دایرة المعارف بزرگ اسلامی که با در اختیار قرار دادن منابع تحقیقی مرا یاری فرمودند و آقای اله حسین محمدی (از بستگان) که در انجام امور کامپیوتری با من همکاری کردند سپاسگزارم .

از خداوند یکتا و بی همتا برای این عزیزان سلامتی ، سربلندی و پایداری آرزومندم .

چکیده

این نوشته متن « رساله عبدالواسع هانسوی » ادیب و شاعر فارسی گوی شبه قاره است به نام « دستور العمل ». موضوع آن نگارش فارسی، و در باره وجه تسمیه و اشتقاق الفاظ و صنایع ادبی و دستور زبان فارسی بحث می کند. او از اشعار شاعران هندی و ایرانی شواهدی آورده. نثر آن ساده، روان و پخته، خط آن شکسته و بعضی کلمات ناخوانا است. تاریخ کتابت و نام کاتب معلوم نیست، اما با توجه به تحقیقات انجام شده مربوط به قرن های ۱۱ و ۱۲ ه. ق، و از نسخه های کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو است. او آثار دیگری از جمله « دیوان شعر » دارد، و « خالص » تخلص می کرده است. در این تحقیق متن عبدالواسع بدون تغییر بازنویسی و اصلاح شده. معنی لغات و کلمات در حاشیه آمده است. مطالب ناقص بر اساس دیگر کتاب ها که منبع و مأخذ عبدالواسع بوده اند، در حاشیه اصلاح شده است. در باره اسامی اشخاص و کتب توضیحاتی در حاشیه آمده است. مطالبی که عبدالواسع جهت اختصار گذرا به آن ها اشاره نموده، مأخذ را پیدا کرده و مطالب به طور کامل ذکر شده است.

بیت هایی که به عنوان شاهد مثال آمده، نشانی دقیق آن نوشته شده. توضیحات لازم به ترتیب شماره صفحه و سطر در حاشیه آمده است. با توجه به این که بسیاری از مطالب این رساله با مقدمه فرهنگ رشیدی و مقدمه برهان قاطع یکی بوده، مطالب به طور مجزا جهت مقایسه در جدول قرار گرفته است.

۱	فصل اول (کلیات)
۱۰	فصل دوم (متن دستور العمل)
۱۸	باب اول
۴۳	باب دوم
۵۹	باب سوم
۷۷	خاتمه
۸۰	حواشی
۱۶۹	حواشی باب دوم
۲۰۹	حواشی باب سوم
۲۴۰	نتیجه
۲۴۱	فهرست منابع و مآخذ

فصل اول (کلیات)

۱-۱ پیش گفتار

این نوشته متن «رساله عبد الواسع» است به نام «دستور العمل»؛ و به استناد بعضی آثار که پس از این می آید مربوط به قرن های ۱۱ و ۱۲. موضوع آن نگارش فارسی و از نسخه های موجود در کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو است، که استاد فرهیخته آقای دکتر اصغر دادبه در سفری که به کشور هندوستان داشتند، آن را تهیه نموده و جهت امور بازنویسی و اصلاحات و حواشی در اختیار من قرار دادند.

نداشتن تاریخ تألیف، نامشخص بودن نام کاتب، تاریخ کتابت، و مهمتر از همه، آشنایی نداشتن با نام مؤلف ابهاماتی را برای من ایجاد کرد اما با توجه به ذکر اسامی کتاب هایی که در صفحه اول متنشان آمده، (تعدادی از آن ها را هم حتی در کتابخانه ملی تهران نیافتم) حدس می زدم مربوط به قرن های ۱۲-۱۱ باشد، زیرا در آن جا منابع را ذکر کرده و گفته اند که: از کتب لغت مثل فرهنگ جهانگیری و رشیدی و ... بهره گرفته اند.

نام مشخص بودن بعضی کلمات و همان طور که در «فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش ص ۱۸۷» آمده است، «رنگ زرد تیره، آب رسیدگی و کرم خوردگی کتاب و تحریر آمیخته با شکسته» وجود لغات هندی مانند: گهری، گیت، کچل و ... رسم الخط قدیمی آن، پیوستگی حروف، کلمات و جملات به یکدیگر، مرا با سختی ها و مشکلات فراوان روبرو کردند.

کتاب های موجود پاسخگوی این نیاز نبود، مطالب آن و شاهد مثال ها نسخه های قدیمی تری را می طلبید، سرانجام به لغت نامه دهخدا روی آوردم و سی_دی آن را تهیه کردم بارها کل متن را مطالعه کردم خوشبختانه هر بار تعدادی از ابهاماتم برطرف می شد، و اگر کلمه ای خوانا نبود، بر اساس این اثر محققانه و بی نظیر می نوشتم؛ اثری که از سخت کوشی ها، ژرف بینی و صداقت پژوهنده آن حکایت می کند و امیدوار می شدم. و هر بار برای این دانشمند فقید مرحوم علامه علی اکبر دهخدا متأسف تر؛ در آخرت نیز برای آن عالم فقید علو درجات آرزومندیم.

روزی به دنبال معنی لغتی به «برهان قاطع» مراجعه کردم؛ هیچ انتظار نداشتم آن همه سختی ها که برای خواندن کلمات کشیده بودم، عین کلمات در این جا قابل دسترسی باشد، آن هم در کتابخانه خودم. این کار کنجکاوی مرا برانگیخت مقدمه دیگر فرهنگ ها را هم بینم و به حق لازم بود. همان طور که مؤلف خود نیز اشاره کرده بودند، «فرهنگ رشیدی» را دیدم؛ جالب تر از برهان قاطع، مطالب دقیقاً یکی بود با همان ترتیب و توالی. باب اول آن و حتی مقداری هم از باب های دیگر. اما

در برهان قاطع جا به جایی صورت گرفته ، و مطالب امروزی تر بود و اشکالات نثر عبد الواسع را نداشت .

بر اساس پیشنهاد استاد قرار شد که شباهت ها را جدا کرده و در جدول هایی قرار دهم که این کار انجام شد . اما از آن جا که مطالب بسیار بود به جهت سهولت در امر مقایسه از ذکر بعضی شواهد در بعضی جدول ها خود داری کرده ام .

پس از آن در کتابخانه ملی تهران و دایرة المعارف بزرگ اسلامی نسخه های خطی از جمله : مجمع الصنایع و منتخب تکمیل الصنایع و رساله اعجاز خسروی را دیدم و مطالبی که عبد الواسع از آن جا گرفته بودند ، یادداشت کردم که در حواشی ذکر شده است .

در شیوه کتابت کوشش شده از روشی یکسان پیروی شود. برای توضیح بعضی کلمات حتی در صورت وجود معنی در متن ، از فرهنگ های متعدد استفاده کرده و معانی دیگر و شاهد مثال ها را یادداشت کرده ام .

اختصارات و علائم به کار رفته همگی مطابق با عرف و رایج است .

متن اصلی حفظ شده و اگر اشکالی دیده ، یا کلمه ای به نظرم نا مناسب بوده در حاشیه توضیح داده ام . اما اگر جمله ای نیاز به افزودگی و اصلاح داشته ، آن را داخل دو قلاب [] نوشته و در حواشی اصلاحات و پیشنهاد های خود را با علامت (م) (= مصحح) مشخص کرده ام . چند کلمه ای که داخل متن مشخص نبوده و خود نوشته ام ، داخل کروشه گذاشته و قید کرده ام که « قیاسی است » .

بسیاری از کلمات و ترکیبات به کار رفته در اشعار معنی شده .

در صفحات پایانی از چند آرایه در «رساله اعجاز خسروی» نام برده اند که آن را یادداشت کرده ام. با توجه به قدیمی بودن متن و دستوری بودن آن ، یعنی استفاده از حروف و ... در متن نشانه گذاری های بیشتری استفاده کرده ام ، اما در حاشیه چون در اکثر جاها عین مطالب ذکر شده ، جز در چند جا که خلاصه آمده ، آن هم به صورتی که مطالب و جمله بندی آن ها حذف نشود ، کمتر به نشانه گذاری و علائم نگارشی پرداخته ام .

با توجه به این که بعضی کلمات را از منابع مختلف از جمله لغت نامه دهخدا نوشته ام ، صورت به کار رفته آن ها را که با رسم الخط جدید تناسب بیشتری دارد ، رعایت کرده ام .

اگر کلمه و یا کلماتی در جمله حذف شده که فهم آن را دشوار کرده در منابع مختلف جست و جو نموده و عین همان مطلب را پیدا کرده و یادداشت کرده ام .

در جایی به اشتقاق کلمه « مسلمان » اشاره می کنند اما جهت اختصار نظریه ها را ذکر نکرده اند ؛ من این کار را انجام داده و به طور کامل یادداشت کرده ام .

اگر مؤلف اصلاحاتی در متن صورت داده اند، در حاشیه شکل اصلی کلمه و شکل اصلاح شده را نوشته ام اگر آرایه ای در کتب مختلف با نام های متفاوت آمده ، یا دداشت کرده ام .

جدول های موجود فقط مربوط به مقایسه این متن با برهان و رشیدی است ، برای بقیه منابع چون تعداد شباهت ها کم بود جدول نکشیدم .

مقدمه

زبان فارسی که از نیمه اول سده پنجم هجری یعنی روزگار سلطنت محمودغزنوی (متوفی ۴۲) ، به هندوستان راه یافت ، و درپرتو سعی بعضی سلسله های بعدی و همّت و ذوق گویندگان و نویسندگان ایرانی که به آن سرزمین مهاجرت یا سفر می کردند ، به تدریج پیشرفت حاصل کرد تا جایی که دربار اکبر و همایون و برخی از پادشاهان دیگر هند بزرگترین پناهگاه اهل ذوق و ادب فارسی گردید . و این امر به علت توجه خاص سلاطین و امیران و اعیان دولت مغولی هند نسبت به نویسندگان و گویندگان فارسی زبان ، صاحبان ذوق ، و ناموران ادب ایران بود که از دل و جان به هندوستان روی می آوردند .

به خصوص که بی اعتنائی سلاطین مذهبی صفویه به این مهاجرت ها کمک می کرد بنا بر این شعرای مهم ایران محافل ادب پرور دکن را بر موطن اصلی خود ترجیح داده ، و در سرزمین پهناور هندوستان رحل اقامت افکندند .

به علت پیشرفت سریعی که در ادبیات فارسی در هند رخ داد ، هندیان مجبور شدند در آموختن و آشنایی به رموز زبان فارسی که علاوه بر زبان رسمی دربار بودن ، زبان علمی و ادبی کشور هم محسوب می شد ، سعی و مجاهدت بیشتری به کار برند . علاوه بر این ، تحصیل زبان علمی و ادبیات فارسی موجب موفقیت در زندگی و عزت و احترام بیشتر در مجالس رسمی و علمی بود .

زبان فارسی در هند زبان علمی و زبان مترقی ، و دلیل شرافت و فضل و عزت محسوب می شد و در دربار اصفهان هرگز این اهمیت را پیدا نکرد .

زبان فارسی به عنوان زبان فاتحان وارد شبه قاره هند و پاکستان شد ، هم چنان که زبان عربی به همین عنوان وارد ایران گردید . زبان عربی حامل فرهنگ اسلامی بود و از پشتوانه دینی برخوردار بود و ایرانیان برای آن احترام قائل بودند ، زبان فارسی نیز در شبه قاره زبان اسلام شناخته شد و از این رو مورد احترام مسلمین قرار گرفت ، و چون زبان رسمی دولت نیز شد ، طبقات گوناگون جامعه به آن توجه بیشتر نمودند و فراگیری آن به صورت مسأله مهم روز در آمد .

دانشمندان ایران به زبان عربی بیشتر می پرداختند و به تدوین قواعد فارسی چندان توجهی نشان نمی دادند ، در شبه قاره نیز با این که زبان فارسی زبان عموم مردم نبوده ، به دستور نویسی توجه خاص شده ؛ زیرا طبیعی است که فرا گرفتن زبان بیگانه به آسانی زبان مادری نیست و به وسایل و اسبابی احتیاج دارد که بتواند جریان تعلّم را نظم و سامانی ببخشد ، و دستور هر زبان وسیله ای بس موثر برای آموختن آن زبان است . از این رو به این وسیله توجه خاص مبذول شد .

از لحاظ فرهنگ نویسی فارسی هیچ یک از کشورهای فارسی زبان به پای هند و پاکستان نمی رسد و با این که تألیفات فارسی زبانان هند و پاکستان خالی از اشتباه نیست ، اما با وجود این خدمات برجسته ای که علما و دانشمندان آن دیار جهت ترویج و پیشرفت زبان و ادب فارسی انجام داده اند ، قابل ملاحظه و چشمگیر است .

سلطان سکندر لودهی که در سال ۸۹۵ هجری قمر مطابق ۱۴۸۵ میلادی در دهلی به سلطنت رسید ، تصمیم گرفت برای اداره امور کشور افرادی را انتخاب کند که با زبان و ادب فارسی آشنایی داشته باشند در نتیجه ، تحصیل زبان فارسی میان اهالی آن کشور مورد توجه خاص قرار گرفت .

در حقیقت می توان گفت که پایه و اساس زبان فارسی در هندوستان در این عصر نهاده شد ، زیرا در همین وقت است که شعرای هندی نژاد کلمات و جملات فارسی را در اشعار خود ذکر کردند و مردم نیز این روش را با میل قلبی پذیرفتند و در مکالمات خود لغات فارسی را به کار بردند .

از قرن هفتم هجری فرهنگ نویسی شعری از ایران به هندوستان منتقل شد و در قرن هشتم و نهم و دهم در این زمینه اقدامات فراوانی به عمل آمد ولی ترقی و تکامل این فن در قرن یازدهم صورت گرفت.

کاملترین فرهنگ شعری فارسی فرهنگ جهانگیری می باشد که در زمان اکبر شاه به سال ۱۰۱۷ هجری نوشته شده است . فرهنگ رشیدی و سراج اللغات هم دارای اهمیت فراوان است . در قرن های بعد نیز فرهنگ نویسی مورد توجه بود و فرهنگ نظام که در قرن چهاردهم تألیف شد ، در میان فرهنگ های فارسی که در این قرن در شبه قاره هند و پاکستان تنظیم و تدوین گشت ، حایز مقام ارجمندی است .

در مدت هفت قرن که فرهنگ نویسی در آن مملکت رواج داشت و تألیفات زیادی در این فن صورت گرفت ، چندین خانواده سلطنتی در هندوستان به وجود آمد که از همه آن ها مهمتر خانواده سلطنتی مغولان بود که از سال ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۹۳۳ تا ۱۲۷۴ هجری بر آن سرزمین وسیع

حکومت داشت . در زمان حکومت همین خانواده مقتدر و هنر پرور و ادب نواز بیشتر کارهای علمی و هنری که امروز سرچشمه افتخارات هندوستان می باشد ، انجام گرفت .

اصولاً باید فرهنگ نویسی را در هند و پاکستان به دو دوره تقسیم کنیم :

دوره اول زمانی را تشکیل می دهد که در آن فرهنگ نویسان سعی داشتند از هر جایی که امکان پذیر باشد واژه های زبان را جمع آوری کنند؛ بنابراین در این دوره محتویات هر فرهنگ جدید را با مقایسه فرهنگ های ما قبل بیشتر می بینیم. همین روشی که در این فن از قرن هفتم هجری آغاز می گردد تا قرن یازدهم ادامه پیدا کرده و به تألیف فرهنگ های جهانگیری و برهان قاطع که شامل بزرگترین تعداد لغات می باشد انجام می پذیرد.

دوره دوم مخصوص زمانی است که در آن از محتویات مؤلفات دوره پیشین تحقیقات انتقاد به عمل می آید و کارها محققانه مانند فرهنگ رشیدی، سراج اللغت، بهار عجم و مصطلحات الشعرا صورت می گیرد. اما نظر بر رابطه ای که میان دوره های سیاسی هندوستان با تحولات فرهنگ نویسی فارسی آن سرزمین وجود دارد، فرهنگ نویسی فارسی را به دوره های زیر می توان تقسیم کرد:

دوره قبل از بابریان یا مغول (قرن هفتم تا نهم هجری) دوره بابریان یا مغول (قرن دهم تا سیزدهم هجری) دوره جدید (قرن چهاردهم هجری).

دوره اول از تأسیس دولت اسلامی فارسی زبان در دهلی از سال ۶۰۳ هجری قمری شروع شد و تا سال ۹۳۳ هجری که سال آغاز دوره مغول می باشد، ادامه داشته است. در ظرف این چهار قرن زبان و ادبیات فارسی در هندوستان به علت این که زبان درباری و رسمی آن سرزمین بود توسعه یافت. نمونه هایی که در این فن مورد استفاده فرهنگ نویسان هندوستان قرار گرفت، همان فرهنگ های شعری فارسی بود.

دوره دوم فرهنگ نویسی در شبه قاره هند و پاکستان از ۹۳۳ هجری قمری شروع شده و در سال ۱۲۷۴ هجری خاتمه می یابد. در این دوره بر اثر بسط پادشاهی بزرگ مغول که تقریباً سه قرن و نیم آن سرزمین پهناور را زیر سلطه خود داشته، زبان فارسی پیشرفت فوق العاده ای کرد.

دوره سوم که دوره جدید فرهنگ نویسی فارسی در شبه قاره هند و پاکستان محسوب می شود زمانی است که بساط شهنشاهی مغول در آن سرزمین برچیده شده و آن کشور پهناور در تحت تسلط انگلستان درآمده است: تغییر روش سیاسی هندوستان به تمدن مسلمانان و ادبیات و زبان فارسی که قرن ها زبان دولتی و ادبی و علمی آن سرزمین بود، لطمه شدیدی وارد آورد دولت انگلیس با جدیت هر چه تمام تر در صدد بر آمد زبان انگلیسی را جایگزین فارسی گرداند و در نتیجه در ادارات و محافل سیاسی زبان انگلیسی جایگزین زبان فارسی شد.

در خلال این اوضاع و تحولات سیاسی که هند با آن مواجه شد، زبان تازه ای به نام اردو که از اختلاط هند و مسلمانان آن دیار حکایت می کند و یادگاری از دوران پر افتخار حکمفرمایی مسلمانان در آن سرزمین به شمار می رود، اهمیت بسزایی پیدا کرد.

در این اوضاع نامساعد زبان فارسی نه تنها از حیث پیشرفت دچار اشکال شد ، بلکه از نظر بقا و دوام با مشکلات زیادی مواجه گشت .

درباره شیوه نویسندگی آن ها به طور کلی باید دانست روش انشای پارسی گویان هندی ، ساده نویسی و توجه به نثر مرسل بوده است . و از ویژگی های قابل توجه نویسندگان این انشاها آن است که زیاده روی چندانی در آوردن واژه های تازی دیر یاب نمی کردند و حتی در پاره ای موارد سعی داشتند عبارت های پارسی روان و خالی از لغت های مهجور عربی بنویسند .

۱-۲ پیشینه تحقیق

پیش از این در این زمینه دو کار صورت گرفته است :

- ۱- چاپ این اثر که در منابع گوناگون با نام هایی مانند قواعد لغت فرس ، قواعد فارسی ، دستور القدسی، گرامر فارسی، مختصر القواعد و دستور زبان در لکنو، کانپور و لاهور به صورت سنگی به چاپ رسیده که از نسخه های موزه ملی پاکستان هستند . (دانشنامه ادب فارسی، حسن انوشه، ج چهارم)
- ۲- تلاش برای معرفی فرهنگ نویسی در شبه قاره هند و پاکستان ضمن آثاری چون : فرهنگ نویسی در هند و پاکستان « دکتر شهریار نقوی» و مقاله های « دکتر شفقت جهان ختک» و « دکتر کاظم دزفولیان » که خلاصه مطالب آن ها در مقدمه آمده است .

رسم الخط

از آن جا که این رساله قدیمی و مربوط به قرن های ۱۱ و ۱۲ است ، لذا رسم الخطی مخصوص به خود دارد که برخی از ویژگی های آن به صورت زیر است :

__ حروف « و - د - ر » شبیه همدیگر نوشته شده اند :

عذب به جای غذب

__ تبدیل حروف به یکدیگر : « ز » و « ژ » _ « ع » و « غ » و « ز » و « ذ » و ...

ژرد _ زرد ژرت _ زرت عزم _ غزم گلزار _ گلزار

__ « به » به کلمه بعد از خود همه جا پیوسته به کار رفته :

باول نظر _ به اول نظر

__ گاهی اوقات « چون » با کلمه بعدی پیوسته نوشته شده :

چونتو _ چون تو

__ در غالب موارد « یی » به صورت « ی » ، و « ی » به صورت « یی » نوشته شده :

« ای » به صورت « ء » فتنه ء فتنه ای گوشه ء گوشه ای

کلمات « از این » و « بر این » بدون همزه نوشته شده :

برین ___ بر این

« نه » نشانه نفی و « ب » را جدا از کلمه نوشته و حتی در کلمه ساده ای مثل :

نبیذ به معنی ، شراب به صورت : نه بیذ

به بندی ___ ببندی نه ماند ___ نماند

ضمه « -² » را به صورت « و » نوشته اند :

خوردی ___ خُردی خورم ___ خرم

دوم ، سوم چهارم را به صورت :

دویم ، سیویم / سیوم و چارم نوشته اند .

غالباً به جای کسره اضافه ، « ه » گذاشته :

خاصه ___ خاص قبيله ___ قبیل حاله ___ حال جامعه ___ جامع

گاهی اوقات هم « ه » را حذف کرده و کلمات را بدون « ه » به کار برده .

بلک ___ بلکه سرو کل ___ سر و کله

گذاشتن نقطه های اضافی .

گذاشتن سرکش اضافی : آبله ___ ابله آفاده ___ افاده ز آید ___ زاید

در اکثر موارد حرف « ک » به صورت « گ » نوشته شده و حتی « بدون نقطه » :

کستاف ___ گشتاسف سکری ___ سگری

گاهی اوقات « گ » به صورت « ک » نوشته شده همراه با « تغییر صورت حروف » :

کوی ___ گویی کز کاو ___ کژ گاو

کلماتی که با « ة » است با « ت » نوشته شده :

زیاده ___ زیادت

غالباً کلماتی که « ب » دارند ، با « پ » نوشته شده :

اسب ___ اسب پاره ___ باره

تبدیل نکردن « ه » به « گ » : زاده گان ___ زادگان

گاهی علاوه بر این که یک حرف نقطه ندارد ، حرف دیگر کاملاً مشخص نیست :

زد ___ نزد النی ___ النبی

__ با توجه به شکسته بودن کلمات گاهی اوقات کلمه ای مانند « بیت » فقط به صورت یک خط کشیده است .

__ « س » و « ش » را به جای یکدیگر به کار برده :

تاشیس __ تاسیس خش __ خس

- کم گذاشتن نقطه : بیاید __ بیاید یل __ پل

__ گاهی هیچ یک از حروف نقطه ندارند .

__ گاهی ضمائر جمع به صورت مفرد می آید :

بینم __ ببینم چالش کنم __ چالش کنیم

__ به جای « عمارتی » ، « امارت » گفته (؟)

__ کلمه « عمرو » را بدون « و » نوشته که در متن اصلاح شده .

__ استفاده از کلمه « دیگر » به جای « دیگری » .

۱-۳ روش تحقیق

روش تحقیق اولاً برای تدوین مقدمه و تألیفات روش کتابخانه ای با شیوه تحلیلی _ توصیفی است ؛
ثانیاً در تصحیح متن به شیوه معمول یعنی بازنویسی دقیق نسخه و مقابله آن با منابع موجود
و نیز در صورت ضرورت استفاده از حدس و گمان علمی در مواردی که نسخه احیاناً مغلوط یا ناخوانا
می نمود .

۱-۴ ضرورت تحقیق

از آن جا که کار دستور نویسی در شبه قاره مقدم بر تلاش های دستور نویسان متأخر و معاصر (حداقل
دستور نویسان ایران است ، تحقیق در این زمینه به عنوان مقدمه ای بر دستور نویسی و علم بیان حایز
اهمیت است . ضرورت احیای نسخ قدیمی ، و هم چنین آشنایی با پارسی گویان هندی و شیوه
نویسندگی آن ها امری بدیهی است . از جمله این ها عبد الواسع هانسوی می باشد .

عبد الواسع هانسوی

(Ab . dol. Va .se .han .sa . vi) عبد الواسع حسینی هانسوی متخلص به « خالص » ، نیمه دوم

سده یازدهم و نیمه یکم سده دوازدهم هجری ، ادیب و شاعر فارسی گوی شبه قاره . از مردم شهر

هانسوی بود . در روزگار اورنگ زیب گورکانی (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ ق) می زیست . از آثارش :

۱- « رساله عبد الواسع » در دستور زبان فارسی که در منابع گوناگون با نام هایی مانند : قواعد لغت

فرس ، قواعد فارسی ، دستور العمل ، دستور القدسی ، گرامر فارسی ، مختصر القواعد ، و دستور زبان

از آن یاد شده ، و با عنوان دستور زبان در لکنو (۱۲۳۵ ق) و کانپور (۱۲۸۴ ق و ۱۸۷۹ م) و لاهور (۱۸۶۲ م) و با عنوان گرامر فارسی در لکنو و با نام مختصر القواعد در لکنو به چاپ رسیده است ۲- منظومه صمد باری یا نصاب صمد باری یا فارسی نامه ۳- غرایب اللغات ۴- شرح بوستان که شرح اشعار دشوار بوستان است . ۵- شرح یوسف و زلیخای جامی که همه نسخه های موزه ملی پاکستان هستند . ۶- شرح نام حق (نسخه کتابخانه گنج بخش) ۷- شرح اسکندر نامه که شرح بخش اول اسکندر نامه است که به واسطه مرگ عبد الواسع نا تمام ماند و بعدها در ۱۱۲۸ ق یکی از شاگردانش با همکاری وحید بن برهان الدین آن را به انجام رسانید ۸- دیوان شعر ۹- فرهنگ شرح الاسماء .

۱-۵ اهداف تحقیق

۱) احیای یکی از نسخ قدیمی در زمینه دستور زبان فارسی و معانی و بیان

۲) نشان دادن رواج و رونق شکوه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند

۳) مسأله علمی قضیه و دانش دستور زبان و معانی و بیان نویسی

۴) بهره گرفتن از حاصل تلاش ادبای هندی

چند نکته

__ یکی از اشکالات این کتاب این است که نام اشخاص و کتب را کامل بیان نکرده و مشخص ننموده

که و چه هستند مثلاً: « علی گوید .. » ، « اسحاق گوید... » یا : « در شرفنامه » ؟

__ این که چرا اکثر نسخی که از آن نام می برند ، چاپ نشده و یا حتی در دسترس نیست و مؤلفان آن

ها نا آشنا هستند ، قابل تأمل است .

__ در این مورد که از فرهنگ رشیدی برداشت کرده اند ، خود نیز در صفحه اول اشاره می کنند ، اما این

که برهان قاطع چه نقشی دارد و چرا نامی از این کتاب نبرده اند ، مورد سوال و محل تأمل است و نیاز

به تحقیقات بیشتر و منابع موثق تری از نسخ دست نویس موجود در موزه ها دارد _ اکثر کتاب هایی که

در این نسخه از آن نام می برند ، حتی در کتابخانه ملی تهران و در بین آثار دست نویس و چاپ سنگی

نبود .

فصل دوم

متن دستور العمل :

« دستور العمل » که دارای یک مقدمه ، سه باب و خاتمه است که در وجه تسمیه و اشتقاق الفاظ ، صنایع ادبی و دستور زبان فارسی بحث می کند . و از اشعار شاعران ایرانی و هندی شواهد آورده و به نثری ساده و روان نوشته شده .

در (فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش ، محمد حسین تسبیحی ج ۱ ص ۱۸۶) ، نام کاتب « سید محمد شاه » و تاریخ کتابت « ۱۹۱۱ میلادی » و تعداد صفحات ۶۹ قید شده ، اما در نسخه موجود ، نام کاتب مشخص نیست و با توجه به تغییر دست خط ها که نمونه های آن می آید ، حدس می زنم کاتب آن یک نفر نبوده ، و علت عدم ذکر نام کاتب هم همین است . ضمناً تعداد صفحات این نسخه (۸۸) صفحه است .

اینک نمونه هایی از نسخه دست نویس و سپس ، متن تصحیح شده « دستور العمل » :
توجه : در متن تصحیح شده ، کلمات و یا عبارات هایی که نیاز به توضیح دارند با علامت ستاره مشخص شده ، و با ذکر شماره صفحه و سطر به ترتیب در حاشیه آمده است .

مغز در دست بخت هم بدست آید
بهر کس در دست بخت ببرد

بیشتر صحت و کمالش بخت ببرد
بیشتر صحت و کمالش بخت ببرد

و در حال صحت و کمالش بخت ببرد
و در حال صحت و کمالش بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

بهر کس در دست بخت ببرد
بهر کس در دست بخت ببرد

